



مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

## تحقیق هفته

شماره: 428

(از 17 دلو الی 23 دلو 1402 هـ ش)

### نگاهی به روابط اقتصادی امارت اسلامی افغانستان و چین



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی تهیه و نشر می‌گردد.

## آنچه درین شماره می خوانید:

- نگاهی به روابط اقتصادی امارت اسلامی افغانستان و چین.....3
- وضعیت روابط اقتصادی افغانستان و چین ..... 3
- دلایل رشد تجارت دوجانبه میان امارت اسلامی و کشور چین ..... 4
- جذابیت های اقتصادی متقابل افغانستان و چین برای یکدیگر ..... 6
- نتیجه گیری ..... 8
- منابع ..... 9

Center for Strategic and Regional Studies (CSRS)



## نگاهی به روابط اقتصادی امارت اسلامی افغانستان و چین

### مقدمه

با اینکه روابط غیررسمی تاریخی میان افغانستان و چین دارای پیشینه درازی می باشد اما روابط سیاسی و مدرن دو کشور به عنوان دو همسایه از اواسط قرن بیست میلادی به صورت رسمی آغاز گردید. روابط سیاسی عادی و بدور از تنش دو کشور با بروز تحولات در افغانستان وارد فازهای متفاوتی شد. تهاجم اتحاد شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ روابط رسمی میان کابل و بیجنگ را به دلیل طرفداری غیر مستقیم چین از مجاهدین سرد ساخت. با فروپاشی حکومت کمونیستی در کابل در سال ۱۹۹۲ و تشکیل حکومت توسط مجاهدین و بلافاصله شروع جنگ های داخلی و تنظیمی در افغانستان، روابط میان افغانستان و چین تقریباً تعطیل شد. ظهور تحریک طالبان و برپایی امارت اسلامی در کابل در سال ۱۹۹۶ در کنار قطع کامل روابط دو کشور، چین از ناحیه افغانستان دچار ترس و بیم ناشی از گسترش فعالیت گروه های اسلامی در ایالت سینکیانگ آن کشور شد. در پی تهاجم امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی و ایجاد نظام جمهوری در افغانستان تحت حمایت و حفاظت کامل نظامی امریکا، چین روابط سیاسی خود را با کابل از سرگرفت. در طول دوره بیست سال روابط افغانستان و چین با اینکه گرم و صمیمانه بود اما شدیداً تحت شعاع حضور امریکا در افغانستان گذشت. با خروج امریکا از افغانستان و فروپاشی نظام جمهوری، امارت اسلامی بار دیگر به افغانستان حاکمیت یافت اما کشور چین برخلاف دوره قبلی، از اولین کشورهای بود که افغانستان تحت حاکمیت امارت اسلامی را نه تنها تهدیدی علیه خود ندانست بلکه با حفظ سفارت خود در کابل، اقدام به برقراری روابط به شکل دیفکتو با امارت اسلامی کرده و وزیر خارجه خود را نیز جهت تقویت هرچه بیشتر روابط با امارت اسلامی به کابل فرستاد. همچنین در راستای ایجاد هماهنگی و نزدیکی بیشتر با کابل سفارت افغانستان در چین را به نمایندگان امارت اسلامی سپرد.

از آنجاییکه میان روابط سیاسی و روابط اقتصادی کشورها نسبت همبسته ای وجود دارد، فرض غالب این است که در سایه روابط حسنه سیاسی میان امارت اسلامی و چین، روابط اقتصادی دو طرف نیز خوب و رو به توسعه می باشد. برای تأیید این فرضیه، در این نوشتار روابط اقتصادی امارت اسلامی و چین از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد.

### وضعیت روابط اقتصادی افغانستان و چین

در هفت دهه گذشته روابط اقتصادی افغانستان و چین ضمن تأثیرپذیری از وضعیت حاکم بر روابط سیاسی دو طرف، از دو عامل دیگر نیز متأثر بوده است. یکی اینکه افغانستان و چین دو کشور همسایه هستند و دلیل همسایگی ایجاب می کند که دارای روابط گسترده اقتصادی بوده باشند با آنکه این دو کشور از 76 کیلومتر مرز مشترک برخوردار هستند، اما به دلیل ارتفاع بالای ساحه مرزی تقریباً در اکثر فصول سال



غیرقابل استفاده و عبور می‌باشد دو کشور هیچ‌گاهی به صورت مستقیم از طریق مرز مشترک باهم ارتباط نداشته و تجارت میان دو کشور از راه‌های دیگر انجام شده است. دوم اینکه افغانستان و چین در گذشته کدام جذابیت خاص اقتصادی برای یکدیگر نداشته و تجارت دوجانبه میان دو کشور صرفاً محدود به تأمین اقلام خاصی بود. گسترش روابط اقتصادی دو کشور هم که در بیست سال گذشته صورت گرفت ناشی از دو عامل بود. اولاً رشد سریع اقتصادی چین و عرضه کالاهایی مصرفی با نرخ ارزان و دیگر تبدیل شدن افغانستان به یک مقصد مصرفی به دلیل رشد اقتصادی بالا ناشی از تزریق میلیاردها دالر پول به منظور بازسازی افغانستان توسط جامعه جهانی به رهبری ایالات متحده امریکا. به همین دلیل بود که رشد حجم صادرات چین به افغانستان در سال ۲۰۰۲ که بالغ بر ۱۹٫۹ میلیون دالر می‌شد به تدریج نرخ صعودی به خود گرفته تا سال ۲۰۱۰ به ۱۷۵ میلیون دالر رسیده و تا سال ۲۰۱۸ به بالاترین رقم یعنی ۶۶۸ میلیون دالر رسید. پس این اوج صادرات چین به افغانستان تا سال آخر نظام جمهورییت یعنی سال ۲۰۲۱ میلادی به ۴۷۴ میلیون دالر رسید. در همین حال میزان صادرات افغانستان به چین نیز در دوره جمهورییت از ۱٫۹۴ میلیون دالر در سال ۲۰۰۸ به رقم ۳۱ میلیون دالر در سال ۲۰۱۹ میلادی رسید که رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

پس از حاکمیت مجدد امارت اسلامی به دلایلی چون تلاش چین برای داشتن روابط خوب با امارت اسلامی، سیاست خارجی اقتصادمحور امارت اسلامی، توجه ویژه چین به سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در افغانستان، فراهم‌سازی سهولت‌ها و امکانات و تلاش آن کشور به داشتن روابط خوب با افغانستان تحت اداره امارت اسلامی، روابط اقتصادی دو کشور نیز رو به رشد نهاد طوری که صادرات چین به افغانستان در سال ۲۰۲۲ به رقم ۵۵۰٫۱۳ میلیون دالر رسیده و متقابلاً در همان سال افغانستان نیز به چین ۴۰٫۰۲ میلیون دالر صادرات داشت.<sup>۲</sup> این ارقام نشان می‌دهد که با بازگشت امارت اسلامی نه تنها کاهش در حجم تجارت دوجانبه دو کشور بروز نکرده بلکه افزایش قابل ملاحظه را نیز نشان می‌دهد. همچنین طبق برآوردهای موجود تجارت افغانستان و چین در ماه نوامبر سال ۲۰۲۳ نسبت به ماه مشابه در سال ۲۰۲۲ رشد ۹۵ درصدی در صادرات چین به افغانستان یعنی از ۶۰٫۳ میلیون دالر به ۱۱۸ میلیون دالر و ۱۵٫۱ درصدی در رشد صادرات افغانستان به چین یعنی از ۱۵٫۱ به ۱۶٫۱ میلیون دالر را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> بر اساس این وضعیت، پیش‌بینی می‌شود که چین بعد از پاکستان به دومین شریک تجاری افغانستان تبدیل شود؛ زیرا روند کنونی افزایش میزان تجارت دوجانبه میان دو کشور در مقایسه با دیگر همسایگان روندی روبه رشد را نشان می‌دهد. اقتصاد میان دو کشور را بیشتر سرعت خواهد بخشید.

### دلایل رشد تجارت دوجانبه میان امارت اسلامی و کشور چین

به صورت کلی مجموعه دلایلی که باعث شده روابط اقتصادی دو کشور از رونق خاصی برخوردار شود،

چند عامل می‌باشد:



نخستین دلیل اتخاذ رویکرد اقتصاد محوری در سیاست خارجی امارت اسلامی است. از بدو بازگشت مجدد امارت اسلامی به قدرت در افغانستان سیاست خارجی اعلامی و اعمالی امارت اسلامی را استراتژی بی طرفی با رویکرد اقتصادمحوری تشکیل می دهد. اتخاذ چنین سیاست خارجی در کنار اینکه اولویت های امنیتی را از دستور کار افغانستان دور ساخت، راه را برای گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی افغانستان با دیگر کشورها به خصوص همسایگان باز کرد. چنانچه آمارها نشان می دهد که در دو سال گذشته روابط اقتصادی افغانستان با تمام همسایگان رو به گسترش بوده و نه تنها صادرات کشورهای دیگر به افغانستان زیاد شده بلکه صادرات افغانستان به کشورهای دیگر به خصوص همسایگان به رقم های بی سابقه رسیده است چنانچه در خصوص چین در بحث گذشته ملاحظه شد.

دلیل دوم توجه ویژه متقابل افغانستان و چین به یکدیگر می باشد: همانطور که قبلاً یادآوری شد، با بازگشت امارت اسلامی به قدرت در افغانستان چین توجه ویژه و مثبتی به افغانستان مبذول کرد. همچنین از طرف افغانستان نیز امارت اسلامی نگاه مثبت خاصی به چین و تعامل نزدیک با آن کشور کرد که در این راستا می توان از آمد و رفت مقامات دو کشور به یکدیگر از جمله سفر عالی ترین مقام مسئول سیاست خارجی چین به کابل اشاره کرد. چنین حسن رفتار متقابل دو کشور نسبت به یکدیگر موجبات گسترش تعامل اقتصادی میان دو کشور را فراهم کرده است.

دلیل سوم اهداف سرمایه گذاری چین در افغانستان است: از آنجا که چین به دلیل رشد و توسعه بسیار سریع اقتصادی به منابع خام فراوانی ضرورت داشته و افغانستان نیز دارای منابع قابل ملاحظه می باشد، آن کشور اقدام به سرمایه گذاری در زمینه استخراج معادن در افغانستان کرد اما به در گذشته به دو علت یکی حضور امریکا در افغانستان و ایجاد موانع توسط آن کشور فراروی عملیاتی سازی پروژه های اقتصادی چین در افغانستان و دیگری به دلیل نامساعد بودن شرایط امنیتی در افغانستان، چین موفق نشد عملاً کار را بالای استخراج معادن افغانستان که با دولت افغانستان بالای آنها قرارداد بسته بود شروع کند. بازگشت امارت اسلامی و برچیدن کامل حضور امریکا از افغانستان و در کنار آن مساعد شدن اوضاع به لحاظ امنیتی در افغانستان چین را بیشتر ترغیب و تهییج کرد تا ضمن کار بالای اجرایی سازی پروژه های از قبل قرارداد شده، توافقات جدیدی با امارت اسلامی در زمینه استخراج معادن افغانستان به خصوص نفت و گاز انجام دهد. هرچند تا هنوز حضور اقتصادی چین در افغانستان از طریق عقد قراردادها نتوانسته تأثیر ملموس بر افزایش حجم میزان تجارت دوجانبه میان دو کشور گذاشته باشد اما می توان این موضوع را در دو جنبه مثبت ارزیابی کرد. اول اینکه سطح افزایش تماس های بزرگ اقتصادی میان دو کشور الهام بخش و محرک خوبی برای افزایش میزان مبادلات تجاری میان دو کشور بود و دوم اینکه این موضوع در چشم انداز آینده اقتصاد افغانستان کاملاً دگرگون خواهد ساخت.



دلیل دیگری که می‌توان بر افزایش میزان تجارت دوجانبه میان افغانستان و چین تأثیرگذار دانست، فعال شدن خط مستقیم ترانزیتی از طریق خط آهن میان دو کشور می‌باشد. با اینکه به شکل نمادین در سال ۱۳۹۵ خورشیدی یک خط آهن برای انتقال کالاهای تجارتي میان افغانستان و چین با عبور از دو کشور قزاقستان و ازبکستان افتتاح شده و به شکل آزمایشی نیز محموله‌ای را از چین به افغانستان انتقال داد، اما به شکل جدی‌تر و این بار از مسیر قرغزستان و ازبکستان خط مستقیم آهن برای انتقال کالاها میان افغانستان و چین راه اندازی شد. هرچند آماری دقیقی در دسترس نیست که به‌توان دال بر آنها میزان مشخص تأثیرگذاری انتقال کالاها از طریق این خط آهن را بر افزایش حجم تجارت میان دو کشور سنجید، اما قطعاً فعال شدن خط مستقیم ترانزیتی میان دو کشور توانسته بر تسریع روند انتقال کالاها و کاهش فاصله زمانی تأثیر مثبت داشته باشد؛ زیرا از یک طرف کالاها از مقصد چین به افغانستان و بالعکس فقط یک بار بارگیری و باراندازی می‌شود و دیگر اینکه در مدت زمان بسیار کوتاه به مقصد خود می‌رسد. همچنین انتقال حجم بالای کالاها از طریق خط مستقیم آهن هزینه‌های حمل و نقل را نیز به پیمانانه بسیار زیادی کاهش می‌دهد که خود تأثیر مثبت به گردش تجارت میان دو کشور کمک می‌کند. علاوه بر اینها، مسیر جدید عبور از قرغزستان به ازبکستان به جای عبور از قزاقستان به ازبکستان و سپس به افغانستان کوتاه‌تر می‌باشد که می‌تواند تأثیر مثبت خود را در زمینه داشته باشد.

### جذابیت‌های اقتصادی متقابل افغانستان و چین برای یکدیگر

هرچند وضعیت کنونی روابط اقتصادی دو کشور افغانستان و چین، آینده خوش‌بینانه را به نمایش می‌گذارد، اما افغانستان و چین جذابیت‌های اقتصادی فراوانی برای یکدیگر دارند که سرمایه‌گذاری بالای هرکدام از آنها می‌تواند انقلابی در روابط اقتصادی دو کشور به‌وجود بیاورد. در ادامه این بحث به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

تولیدات متنوع چین و تقاضای بازار افغانستان: چین شاید تنها کشوری در دنیا باشد که همه چیز را تولید می‌کند. به عبارت دیگر این کشور یک بسته کامل تولیدی در همه زمینه‌ها است. در کنار تنوع تولیدی این کشور، ویژگی دیگر آن این است که تولیدات این کشور به مراتب نسبت به تولیدات دیگر کشورها ارزان و حتی به‌خواست و تقاضای مشتری ساخته می‌شود. برای همین است که امروز تولیدات چینی توانسته تقریباً تمام بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد. هرچند بازار افغانستان نیز در چند سال اخیر شاهد افزایش تولیدات کشور چین بوده است اما با ایجاد راه‌های مواصلاتی مستقیم به‌خصوص احداث جاده مستقیم از طریق واخان بدخشان و اتصال بدون واسطه دو کشور به یکدیگر، بازار افغانستان شاهد رشد بیشتر تولیدات صنعتی چین خواهد بود.

جذابیت تولیدات افغانستان در بازارهای چین: همانطور که تولیدات صنعتی چین در بازارهای افغانستان می‌تواند رشد قابل ملاحظه داشته باشد، تولیدات افغانی نیز از جذابیت خاصی در بازارهای چین برخوردار



می‌باشد. افغانستان با اینکه نمی‌تواند تولید صنعتی داشته باشد اما تولیدات مثل انواع میوه‌ها (خشک و تازه) صنایع دستی، قالین، انواع مسنوجات حیوانی، سنگ‌های قیمتی، سنگ مرمر، از جمله تولیدات افغانستان است که در بازار چین متقاضیان بسیار خوبی دارند که در حال حاضر نیز صادرات افغانستان به چین را شامل می‌شوند.<sup>4</sup>

جذابیت تکنالوژی پیشرفته چین برای افغانستان: در حال حاضر چین تنها کشوری در آسیا است که به بخش صنعت و تکنالوژی جایگاه اول را در اختیار دارد. حتی براساس پیش‌بینی‌ها این کشور در چند سال آینده به قطب اصلی تولید صنعتی در جهان تبدیل خواهد شد. از آنجا که افغانستان یک کشور غیر صنعتی و در این زمینه کاملاً مصرفی می‌باشد، تولیدات ازران و باکیفیت چین در بخش‌هایی چون صنایع الکترونیک، مخابرات، وسایل خانه، انواع ماشین‌آلات می‌تواند گزینه خوبی باشد.

جذابیت منابع معدنی افغانستان برای چین: گذشته از هر چیز دیگر آنچه افغانستان را برای چین به شدت جذاب کرده است، وجود میزان قابل توجهی از ذخایر معدنی از جمله مس، زغال سنگ، آهن، نیوبیم، کبالت، طلا، مولیبدن، نقره و آلومینیوم و همچنین منابع فلورسپات، اورانیوم، بریلیم، تالک و لیتیوم در افغانستان است. همچنین افغانستان دارای ذخایر قابل توجهی از نفت و گاز است که عمدتاً در شمال کشور واقع شده.<sup>5</sup> حتی گفته می‌شود برخی از این اقلام مثل لیتیوم با بزرگ‌ترین معدن این عنصر در سطح جهان در کشور بولیوی برابری می‌کند. براساس برآوردهای ابتدایی که در سال ۲۰۱۰ انجام شده ارزش تخمینی ذخایر افغانستان تا سه تریلیون دالر برآورده شده است.<sup>6</sup> چین به دلیل رشد اقتصادی و صنعتی خود که شدیداً به منابع معدنی ضرورت دارد، توجه خاصی به افغانستان کرده است. در این زمینه چینی‌ها در دور جمهوری‌ت نیز توجه داشته و علی‌رغم مخالفت‌های امریکا توانست قراردادهای چند میلیارد دالری استخراج معادن (قرارداد معدن مس عینک لوگر و قرارداد در حوزه نفتی آمودریا) را با دولت افغانستان به امضاء برساند اما به دلایلی که ذکر آنها قبلاً گذشت کار عملیاتی آنها شروع نشد. اکنون که امارت اسلامی در افغانستان به عنوان یک حکومت مستقل و تقریباً بدور از تأثیر مستقیم خارجی به خصوص امریکا حاکم می‌باشد، چین بار دیگر علاقمندی خود را در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش معادن افغانستان نشان داد. در این دوره علاوه بر اینکه چین از تعهد خود مبنی بر شروع کار استخراج معدن مس عینک لوگر خبر داده، قراردادهای جدیدی نیز با امارت اسلامی امضاء کرد که مهم‌ترین آن قرار استخراج نفت حوزه آمو دریا می‌باشد. این قرار داد که مشخصاً با شرکت چینیایی CPEIC با سرمایه‌گذاری ابتدایی ۱۵۰ میلیون دالر و تا سه سال آینده ۵۴۰ میلیون دالر به مدت ۲۵ سال امضاء شد قرار است نفت حوزه آمو دریا را که به وسعت ۴۵۰۰ کیلومتر شامل ولایات سرپل، جوزجان و فاریاب می‌باشد، در مرحله ابتدایی از استخراج ۲۰۰ تن در روز شروع کرده و تا ۲۰ هزار تن در روز بیشتر سازد.<sup>7</sup> علاوه بر این، یک شرکت چینیایی مشترکاً با یک شرکت افغانی قرارداد استخراج معدن طلا در ولایت تخار را به ارزش ۳۱۰ میلیون دالر گرفته است.<sup>8</sup> همچنین یک شرکت بزرگ چینیایی در حال بررسی





سرمایه‌گذاری بزرگ بالای زغال سنگ افغانستان به هدف تولید برق می‌باشد. براساس گزارش‌ها حدود ۱۰۰ شرکت چینی در وزارت معدن امارت اسلامی که علاقه به سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون دارند، ثبت و راجستر شده و حدود ۵۰۰ تاجر چینی برای ملاحظه سرمایه‌گذاری بالا معادن وارد افغانستان شده‌اند.<sup>۹</sup> جذابیت مسیر ترانزیتی افغانستان برای چین: مورد دیگری افغانستان را برای چین جذاب ساخته است، موقعیت ترانزیتی این کشور می‌باشد. افغانستان تنها کشوری است که چین را با پیمودن کم‌ترین فاصله جغرافیایی به آسیای غربی وصل می‌کند. به صورت دقیق‌تر در صورت عبور از خاک افغانستان چین می‌تواند به کشور ایران به عنوان دروازه آسیای غربی و اروپا کمتر از دوهزار کیلومتر بپیامد. این درحالی است که چین در طرح بزرگ «کمربند و راه» افغانستان را کنار گذاشته بود. تنها دلیلی که بر این کنار گذاشتن می‌توان آورد، حضور امریکا در افغانستان و شرایط نامطلوب امنیتی افغانستان تحت اشغال امریکا بود. با رویکار آمدن امارت اسلامی و تلاش‌های مستمر و مثمر مقامات امارت اسلامی، دولت چین متعهد شد که افغانستان را در این طرح بزرگ خود شریک بسازد. در طرح اولیه قرار شد افغانستان از طریق پروژه CPEC\* به طرح بپیوندد.<sup>۱۰</sup> با مشارکت افغانستان در طرح ابتکاری کمربند و راه امکان سرمایه‌گذاری چندین میلیون دلاری چین برای پروژه‌های زیربنایی در افغانستان فراهم خواهد شد. در کنار گنجاندن افغانستان در طرح کمربند و راه از طریق مشارکت افغانستان در پروژه CPEC تلاش‌هایی نیز میان دو طرف جریان دارد تا از طریق دهلیز واخان مسیر مستقلی باز شود که چین را به آسیای غربی و از آن طریق به اروپا وصل کند.<sup>۱۱</sup> علاوه بر این جدا از خط ریلی مستقیمی که میان افغانستان و چین از طریق قرغزستان ازبکستان وجود دارد، طرح‌های دیگری از جمله خط ریلی موسوم به پنج ملت (ایران، افغانستان، تاجکستان، قرغزستان و چین) هم در دستور کار کشورهای ذی‌دخل است که ممکن در آینده گام‌های عملی برای اجرایی شدن آن برداشته شود.

## نتیجه‌گیری

چین و افغانستان به‌عنوان دو کشور همسایه سابقه مرادفات سیاسی خوبی در کارنامه خود دارند. با اینکه تحولات سیاسی و دوبر اشغال افغانستان (توسط شوروی و ایالات متحده امریکا) در گذشته امکان گسترش روابط اقتصادی میان دو کشور همسایه را در سایه مناسبات سیاسی خوب از میان برده بود، اما پس از بازگشت امارت اسلامی به قدرت در افغانستان و وجود حسن‌روابط متقابل سیاسی میان دو طرف، اتخاذ رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی امارت اسلامی و جذابیت‌های اقتصادی دو طرف نسبت به یکدیگر، روابط اقتصادی میان دو کشور نیز در وضعیت قابل قبول و رو به رشدی قرار گرفته است. به‌صورت کلی می‌توان گفت که فرصت‌های به‌وجود آمده در افغانستان و ظرفیت‌های متقابلی که افغانستان و چین به لحاظ

\*. China-Pakistan Economic Corridor





اقتصادی برای یکدیگر دارند، امکان و فضای رشد و گسترش روابط اقتصادی را در آینده فراوری هر دو کشور گشوده است.

علاوه بر اینکه مراوات خوب اقتصادی می‌تواند در زمینه توسعه بیشتر اقتصادی به‌خصوص برای افغانستان مفید واقع شود، به لحاظ سیاسی نیز می‌تواند دو کشور را بیشتر به هم نزدیک کند. هرچند که در ابتدای این بحث اذعان شد که مراودات خوب سیاسی بالای گسترش روابط اقتصادی کشورها تأثیر مثبت دارد، اما گاهی دولت‌ها از گسترش روابط اقتصادی در پی منفعت‌برداری سیاسی نیز می‌باشند که به‌خصوص در مورد چین بیشتر می‌توان این مسئله را صادق دانست. حتی یکی از دلایل جدی که امریکایی‌ها اجازه ندادند که در زمان حضور شان در افغانستان پروژه‌های اقتصادی چین به سرانجام برسد این ترس بود که چین در سایه حضور اقتصادی به تأمین و گسترش نفوذ سیاسی خود در افغانستان نپردازد. البته که در حال حاضر نیز می‌توان این مسئله را مورد توجه قرار داد، اما بر دولت‌مردان کشور است که با تدبیر اثرات منفی نفوذ سیاسی ناشی از گسترش روابط اقتصادی را خنثی نمایند. صرف نظر از این مسئله، با توجه به فضای موجود و ظرفیت‌های متقابلی که برای هر دو کشور وجود دارد پیشنهاد می‌گردد که حکومت افغانستان و چین گام‌های مؤثرتری در راستای عملیاتی‌سازی پروژه‌های موجود برداشته و در راستای هر چه بیشتر تطبیق توافقات موجود کمیته‌های کاری تخصصی نظارتی ایجاد کنند. همچنین از آنجاییکه افغانستان دارای موقعیت ممتاز ترانزیتی می‌باشد، بهتر است اقدامات عملی و جدی‌تر در خصوص راه‌اندازی کریدور یا دهلیز واخان انجام شود تا هردو کشور به صورت مستقیم با یکدیگر وصل شوند و هم با توسعه آن چین از طریق افغانستان به مناطق غربی آسیا و فراتر از آن وصل شود. در پایان مشخصاً به امارت اسلامی پیشنهاد می‌گردد تا در مورد عقد قراردادهای بزرگ با چین مذاقه و تأمل بیشتر نموده و قراردادهای را به‌گونه‌ای با طرف چینی امضاء کنند که سود بیشتری به جانب افغانستان تعلق گیرد. به بیانی دیگر امارت اسلامی حتی‌الامکان کوشش نماید که مدیریت پروژه‌ها بیشتر در اختیار حکومت افغانستان باشد.

پایان

## منابع

1. <https://tradingeconomics.com/afghanistan/exports/china>
2. [https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3240649/china-afghanistan-cultivate-deeper-ties-agriculture-deals?campaign=3240649&module=perpetual\\_scroll\\_0&pgtype=article](https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3240649/china-afghanistan-cultivate-deeper-ties-agriculture-deals?campaign=3240649&module=perpetual_scroll_0&pgtype=article)
3. <https://oec.world/en/profile/bilateral-country/chn/partner/afg>
4. <https://tradingeconomics.com/afghanistan/exports/china>
5. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-61384455#:~:text=%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%20%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D9%85%D8%AE%D8%AA%D9%84%D9%81%DB%8C%20%DA%A9%D9%87%20%D8%AF%D8%B1,%D8%B4%D9%85%D8%A7%D9%84%20%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%20%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%20%D8%B4%D8%AF%D9%87%20%D8%A7%D8%B3%D8%AA>



